

مهدی فرج الله‌ی



درختهای حیت‌اور

بر همگان واضح و مبرهن است که نباید تسليم شکست شد مثل ما که آخر هفته به دل طبیعت رفتیم. وقتی به دل طبیعت رسیدیم با صحنه عجیبی روبرو شدیم. با چند درخت جدید که دفعه پیش اینجا نبود. اما درختان خیلی عجیب نبودند بلکه میوه‌هایی داده بودند که حیرت آور بود. درختان بطری خالی آب معدنی، دوغ و نوشابه میوه داده بودند. بوته‌هایی روییده بود که به جای برگ پوست پفک و چیپس بر آنها سبز شده بود. خلاصه کلی میوه‌ها و برگ‌های این طوری.

همه که عقل‌هایشان را روی هم گذاشتند به این نتیجه رسیدند که این درخت کاری نتیجه زباله‌هایی است که هفته‌های قبل اینجا رها کردیم. بعد که بیشتر عقل‌هایمان را روی هم گذاشتیم به این نتیجه رسیدیم که کاش نوشابه و پفک و چیپس و ... را درسته چال می‌کردیم تا میوه‌های درسته بددهد نه پوست و پلاستیک. تصمیم گرفته شد و تمام خوردنی‌هایی که آورده بودیم را چال کردیم و آخر هفته‌مان این گونه سپری شد.

امروز که به مدرسه آمدیم تصمیم گرفتیم بسته آدامسی را که داشتیم در باگچه حیات مدرسه بکاریم چون خانه ما آپارتمانی است و باگچه ندارد. تا درخت آدامس سبز شود و کلی بسته‌های آدامس، میوه بددهد اما بعد که خوب فکر کردیم دیدیم که احتمالاً دوستان هم مدرسه‌ای امان ندهند و هیچی به خودمان نرسد برای همین یک آدامس جویده را در باگچه کاشتیم تا کسی از میوه‌های آن که حتماً آدامس جویده و دهنی است نخورد. اما بعد از کاشتن آدامس هیچ اتفاقی نیفتند و چیزی سبز نشد. برای همین تحقیقات گستردۀای را در این زمینه انجام دادیم و به این نتیجه رسیدیم جایی که ما هر هفته می‌رویم با بقیه مکانها فرق دارد و دارای خاکی سحرآمیز است. حالا به خاطر علاقه‌ای که به شما دوستان هم کلاسی داریم تصمیم گرفتیم این موضوع را با شما در میان بگذاریم تا در صورت تمایل شما هم با اشیاء با ارزشی که می‌توانید بیاورید با ما همراه شوید چرا که ما قرار است فردا با پینوکیو برویم و سکه‌های پدر ژپتو را در آنجا چال کنیم تا درخت سکه سبز شود. این بود انشای ما - روباه مکار و گربه نره - که با هم آنرا نوشتیم.